

اثر قرائت قرآن در بیان امام حسن مجتبی (ع)



حجت‌الاملاوالمسلمین دکتر محمد رضا جواهری
عضو هیئت علمی دانشگاه فردوسی مشهد

آثار قرائت قرآن چیست؟

امام حسن^(ع) در نقش قرائت قرآن در استجابات دعا فرموده‌اند: «من قرأ القرآن كانت له دعوةٌ مُجابهٌ اما معجَله و اما، کسی که قرآن بخواند، برای او دعایی مستجاب است زود یا دیر، سریع یا با تأخیر». مؤجَله (الدعوات راوندی قرن ششم، ص ۲۴/بحارالانوار ج ۹۲، ص ۲۰۴ و ج ۳۱۲، ۹۲/ مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل ج ۴، ص ۲۶۰). در این حدیث، تنها قطره‌ای از دریای برکات و آثار قرائت قرآن آمده است. عموم مردم خواسته‌ها و دعا‌های فراوان شخصی دارند و در صد

هستند که از راه‌های استجابات دعا و شرایط آن آگاهی یابند. اهل بیت^(ع) به این موضوع نیز توجه کرده‌اند. از دعا‌هایی که استجابات دارد، دعای کسی است که قرائت قرآن در برنامه روز و شب او وجود دارد. اهل تلاوت قرآن، از امتیاز بزرگ مستجاب الدعوه شدن برخوردارند. انسانی که حاجت مهمی دارد، اگر آیات و سوره‌هایی از قرآن را با بی‌ریایی، برای خدا قرائت کند، راه استجابات دعا به روی او گشوده می‌شود. هر مرحله قرائت قرآن، دعایی مستجاب به همراه دارد؛ شایسته است انسان قاری قرآن در پی قرائت، همواره دعا کند و از برکت قرائت قرآن در برآورده شدن دعا بهره ببرد.

امام حسن مجتبی^(ع) در این حدیث، درباره نقش قرائت قرآن در استجابات دعای انسان‌ها، جمله «اما معجَله و اما مؤجَله» را به‌کار برده‌اند. معجَله از ماده و معنای زود و فوری و سریع است و مؤجَله از ماده أَجَلَ به معنای مهلت‌دار و مدت‌دار و زمان‌دار است. هر زمان مؤمنی قرآن بخواند و دعا کند، دعایی مستجاب دارد اما همواره استجابات، فوری و نزدیک و هم‌زمان با قرائت قرآن و در پی آن نیست؛ گاهی سریع است و گاهی با تأخیر و زمان‌دار است. باید زمان استجابات آن فرابرسد.

نحوه قرائت قرآن

قرائت قرآن با اخلاص و برای تقفه در دین خدا و فهم راه‌رسم زندگی برتر الهی، آثار شگفت انگیز بسیاری خواهد داشت. مسلمان با قرائت از روی قرآن و مصحف شریف، نور چشمانش پایدار می‌ماند و از بهره بصری برخوردار می‌شود. انسان با قرائت قرآن، بارگوشت و خون او مختلط می‌شود. قرائت قرآن بالاترین فضیلت انسان و ادامه راه پیامبری است. سزاوار است پیروان اهل بیت^(ع) و دوستان‌اران امام حسن مجتبی^(ع) همواره و همیشه با قرآن انس داشته باشند و در طول سال از برکات قرآن برخوردار شوند. وظیفه پدر و مادر مسلمان، آموزش قرائت قرآن به فرزندان خویش است. باید با تأمین هزینه آموختن قرآن، زمینه قرائت آن را برای آنان فراهم کنند تا از برکات آن بهره‌مند شوند. در جامعه اسلامی لازم است همه افراد، روحانی و روان خوانی و قرائت قرآن را آموزش ببینند و قرائت قرآن و دستاوردهای آن در زندگی همگان جاری باشد.

همواره به‌سوی حق

از خصال امام حسن^(ع) هرچه بگوییم، کم است، ایشان با قرآن خداوند مأنوس بودند و همیشه از کلام الاهی در سخنان خود استفاده می‌کردند. نقل است آن حضرت هیچ‌وقت آیه یا ایها الذین آمنوا را از کتاب خدا نمی‌خواندند، مگر اینکه می‌گفتند «اللبیک اللهم لبیک» و از خوف پروردگار می‌لرزیدند.

امام حسن^(ع) فرمودند هرکسی هنگام صبح سه آیه آخر سوره حشر(ها...والذی لاله الا هو عالم الغیب والشهاده هوالرحمن الرحیم) را بخواند و در آن روز بمیرد، مُهر شهدا خواهد خورد و چون شب شود و بخواند و بمیرد، نیز ممهور به مهر شهدا می‌شود. از نظر امام حسن^(ع) خانه اهل بیت، محل نزول فرشتگان و وحی آسمانی است. آن حضرت بعد از جنگ جمل فرمود: «خدا ما را به نبوت برگزید(نبوت در خاندان ماست) و کتاب وحی خود را بر ما نازل کرد». آن حضرت در سخنانشان، همواره از کلام الاهی استفاده می‌کردند و سخنانش را به آیات الاهی مزین می‌ساختند و گاهی در کلام خود، آیات را به عنوان شاهد ذکر می‌کردند.

اشارت

ثروتی که هرگز تمام نمی‌شود

طیبه اشرفی | گاهی پدر و مادرها فکر می‌کنند هرچه پول بیشتری برای بچه‌های خود به‌ارث بگذارند، برای آن‌ها و آینده‌شان بهتر است. درحالی‌که آموزه‌های دینی روایی مابه نکات دیگری توصیه می‌کنند و از والدین انتظاری دیگر دارند.

پیامبر خدا^(ص) می‌فرمایند: «دلی که در آن چیزی از حکمت نباشد، مانند خانه‌ای مخروبه است. پس، دانش پیام‌زید و پیام‌وزانید و فهمیدگی به دست آوردید و نادان نمیرید، زیرا خداوند، عذر نادانی را نمی‌پذیرد».

(کنزالعمال، ۲۸۷۵)

رسول خدا^(ص) همچنین فرموده‌اند: «اگر روزی بر من بیاید که در آن روز بر دانش خود چیزی نیفزایم که به خداوند متعال نزدیکم کند، طلوع خورشید آن روز بر من مبارک مباد!».

(کنزالعمال، ۲۸۶۸۷)

پیامبر خدا^(ص) تأکید می‌کنند: «گناه عالم یکی است و گناه نادان دو تا؛ عالم فقط برای ارتکاب گناه عذاب می‌شود، اما نادان هم برای ارتکاب گناه و هم برای نیاموختن علم، عذاب می‌شود».

(کنزالعمال، ۲۸۹۱۱)

امام علی^(ع) می‌فرمایند: «شناخت(تحصیل) دانش، دینی است که باید بدان پایبند بود و به وسیله دانش است که انسان در زندگی اش طاعت به دست می‌آورد و بعد از مرگش، نام نیکو به یادگار می‌گذارد».

(نهج البلاغه، الحکمه ۵)

امیرالمؤمنین^(ع) تأکید می‌کنند: «دانش، بالاترین شرافت برای کسی است که پیشینه‌ای ندارد(از خاندانی بزرگ و سرشناس نیست)».

(غررالحکم، ۱۸۰۸)

امام علی^(ع) همچنین فرموده‌اند: «هر ظرفی وقتی چیزی در آن گذارند، گنجایش خود را از دست می‌دهد، مگر ظرف دانش که با افزودن آن، گنجایشش بیشتر می‌شود».

(نهج البلاغه، الحکمه ۳۰۵)

امام باقر^(ع) نیز در اهمیت دانش و تلاش انسان برای کسب آن می‌فرمایند: «دلی که در آن چیزی از دانش نباشد، مانند خانه ویرانه‌ای است که آبادکننده‌ای ندارد».

(الأمالی للطوسی، ۵۴۴/۱۱۶۵)

و از امام صادق^(ع) روایت شده است: «بهترین ارثی که پدران برای فرزندان خود باقی می‌گذارند، ادب است، نه ثروت؛ زیرا ثروت رفتنی است و ادب ماندنی. مسعده گفت: منظور امام^(ع) از ادب، دانش است».

(الکافی، ۸/۱۳۲/۱۵)

شهرت

شهرت
۲۶ اسفند ۱۳۳۲
۱۵ رمضان ۱۴۴۴
شهرت ۲۲۵۶

۱۴



مهرگان



میراث معنوی امام حسن مجتبی (ع) برای تاریخ



درکرامت، شبیه امام حسن (ع) شویم

يا حَسَنُ بْنَ عَلِيٍّ اَسَلُكَ الْجَنَّةَ

مصاحبه

آئمه مستقیمی| اگرچه سند خوردن یک روز به سالروز ولادت یا شهادت ائمه^(ع) برای پرداختن به ابعاد مختلف زندگی و آموزه‌های فردی، اخلاقی و اجتماعی آن کافی نیست ولی می‌توان حتی کم و کوتاه از آن‌ها دانست و درس گرفت. به مناسبت فرارسیدن نیمه ماه رمضان، ولادت امام حسن مجتبی^(ع) و درگفت وگو با حجت الاسلام والمسلمین سیدمهدی واعظ موسوی، کارشناس و خطیب مذهبی، جلوه‌هایی از حیات تنهاترین سردار را مرور کرده‌ایم.

خودی‌ها، امام حسن^(ع) را تنها گذاشتند!

انسان وقتی احساس مظلومیت می‌کند که نیروهای خودی او را تنها بگذارند و از پشت به او خنجر بزنند. امام حسن مجتبی^(ع) در چنین شرایطی قرار گرفتند. گویا در این عالم، انسان‌ها دو دسته‌اند؛ یا ظالم هستند یا مظلوم. شاید نتوان تصور کرد کسی نه ظالم باشد و نه مظلوم. برخلاف تعبیر اشتباه عده‌ای، مظلوم به معنای ظلم‌پذیری نیست؛ مظلومیت به معنای ضعف و ایستایی و مقاومت نکردن هم نیست. مظلوم شبیه مستضعف است؛ یعنی کسانی می‌خواهند انسان را به ضعف بکشانند اما او مقاومت می‌کند و اجازه نمی‌دهد.

ظلم‌پذیر نبود

امام حسن مجتبی^(ع) نیز مظلوم هستند؛ البته نه به معنای ظلم‌پذیر، بلکه به معنای انسان قوی و مقاومی که دشمن از روبه‌رو و پشت سر به ایشان خنجر زده است. از مقابل، معاویه و ایادی اش و از پشت سر، نیروهای خودی که تطمیع شدند و دشمن توانست آن‌ها را با سکه‌های زر با امیال خود همراه کند. مهم آنکه درس بگیریم و فکر نکنیم آن شرایط امروز تکرار نمی‌شود. ممکن است مردم (اعم از خودی‌ها و خواص کم‌بصیرت و گاهی مغرض و دنیاطلب) رهبر انقلاب را تنها بگذارند.

صلح را دوباره به امام حسن^(ع) تحمیل نکنیم

نباید تاریخ تکرار و صلح، دوباره به امام حسن^(ع) تحمیل شود. تاریخ ایستایی ندارد و دائم در حال حرکت است و ما می‌توانیم سمت‌وسوی خودمان را در تاریخ درست انتخاب کنیم. به تعبیر رهبر معظم انقلاب، باید ببینیم کدام سمت تاریخ ایستاده‌ایم؛ میادا جانب امام حسن^(ع) را رها و در زمین دشمن بازی کنیم. گاهی می‌گوییم تاریخ، تکرارشدنی است. درحالی‌که نباید چنین باشد. حضرت امیرالمؤمنین^(ع) می‌فرمایند: «عاقل از یک روزنه دو بار گزیده نمی‌شود»؛ اگر از صلح حسنی و قیام حسینی درس نگیریم، صلح‌های حسنی و کربلاهای حسینی به ما تحمیل می‌شود.

استمرار مظلومیت حسنی در تاریخ

متأسفانه، مظلومیت امام حسن مجتبی^(ع) در تاریخ استمرار یافته است؛ همان‌طور که در زمان حیاتشان، صلح‌را به ایشان تحمیل کردند و در بیت خودشان امنیت نداشتند؛ امروز هم مزار مطهرشان در قبرستان بقیع، مظلوم و بدون مرقد و زائر است. درحالی‌که مردم دنیا برای دیدن یک تکه سفالی از سراسر دنیا به تماشای یک موزه می‌روند، عده‌ای به اسم توحید و پرهیز از شرک (!) که به نظر می‌رسد ساخته و بدعت جهان کفر باشد) مانع از زیارت ایشان می‌شوند، درحالی‌که اهل سنت هم این افکار را قبول ندارند و آن‌ها نیز از فرهنگ زیارت برخوردار هستند و به زیارت قبر پیامبر^(ص) و فرزندان ایشان می‌روند و آن را عین توحید می‌دانند.

هنوز هم به اسم دین تهنات

عده‌ای به اسم وهابیت که ساخته‌وپرداخته انگلیس است، با شعار توحید (!) همه آثار و میراث فرهنگی بشریت نه‌فقط اسلامی بودن را از بین بردند و قبور مطهر ائمه^(ع) ازجمله امام حسن^(ع) را در قبرستان بقیع تخریب کردند و هنوز هم بر این اشتباه پافشاری می‌کنند. از این‌رهگذار امام حسن^(ع) یک‌بار دیگر مظلوم واقع می‌شوند. گویا مثل روزی که بیکر مطهرشان را در تابوت تیرباران کردند. امروز هم با قبر مطهرشان، دشمنی و ستیز دارند و آن را تخریب کرده‌اند و اجازه زیارت به شیعیان و محبان ایشان نمی‌دهند.

تجلی حقیقی کرامت

اگرچه ارزش‌های اخلاقی در همه ائمه^(ع) در بالاترین میزان وجود دارد. اما به تناسب زمان و مکان و شرایط، یک سبجه در هر یک از آن‌ها بروز و ظهور بیشتری داشته و همین باعث شده است به آن وصف، شهرت بیشتری بیابند؛ مثل اینکه حتی پیروان دیگر ادیان، امام حسین^(ع) را مظلوم‌ترین انسان عالم می‌دانند. اگرچه این حضرات همگی اهل کرامت‌اند، امام حسن مجتبی^(ع) نماد کرامت هستند. لذا در توسل به آن حضرت، به کرامت ایشان بیشتر توجه می‌کنیم و چشم امیدمان به کرم آن امام همام است تا ما را بهره‌مند و بی‌نیاز کنند.

روحیه کرامت حسنی را در خود ایجاد کنیم

نقطه مقابل کرامت، لثامت است؛ یعنی انسانی که ارزش و عزت‌نفس ندارد. برای آنکه به این درد مبتلا نشویم، باید دائم کرامت را تمرین کنیم؛ چون کرامت هم درجات و سطوحی دارد. ائمه^(ع) به نقطه ۱۰۰ در مکتب کرامت رسیده‌اند؛ چنان‌که بنابر گزارش‌های تاریخی، امام حسن مجتبی^(ع) بارها کل اموالشان را به فقرا و نیازمندان بخشیدند و هیچ فردی دست خالی و ناامید از درگاه ایشان نمی‌رفت. ما شیعیان آن حضرت هم که دل در گرو محبتشان و آرزوی ساخت مرقد و بارگاه برای آن حضرت داریم، باید روحیه کرامت حسنی را در خود ایجاد و تقویت کنیم.

بدون کرامت، مقاومت نخواهیم کرد

خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ»، یعنی کرامت، سرمایه‌ای است که خدا به ما عطا کرده است و باید آن را رشد و پرورش دهیم، نه آنکه از این سرمایه کم کنیم. جامعه‌ای که کرامت داشته باشد، تن به خواست ابرقدرت‌ها نمی‌دهد و سر تعظیم مقابل آن‌ها فرود نمی‌آورد؛ چنان‌که امام حسین^(ع) در روز عاشورا فرمودند: «ما دست پرورده کسانی هستیم که اجازه نمی‌دهند ذلت را بپذیریم، حاضرم بمیریم اما تن به ذلت ندهیم». فکر نکنیم آن شرایط تکرار نمی‌شود. نبود روحیه کرامت، سوریه را امروز به این وضعیت انداخته است و دشمن با موج‌سواری بر مشکلات آن‌ها به نفع خود بهره‌برداری می‌کند؛ کرامت به انسان توان مقاومت می‌دهد.

روشنا

قال رسول الله!...: مَنْ أَحْبَبَ لِبَلِّهِ الْقَدْرَ حَوَّلَ عَنْهُ الْعَذَابُ إِلَى السَّهْنَةِ الْقَابِلَةِ. (اقبال الأعمال، ج یک، ص ۳۴۵).

ذکر

برخواهم داشت...

دور افکندی... خوب که همه احتمالات را بالاوپایین کرد، بگوید بله. همه این‌ها درست اما تو فرق می‌کنی با من. نه با من، بلکه با همه فرق داری. تو همه چیزت‌مامی. من به تو گمان نیک دارم. اصلا در شان تو نیست که من را عذاب کنی، من را از خودت دور کنی: فَإِنْ عَفُوْتَ يَا رَبِّ فَطَالَمَا عَفَوْتُ عَنْ الْمُذْنِبِينَ قَبْلِي لِأَنَّ كَرَمَكَ أَيْ رَبِّ يَجِلْ عَنْ مَكَا فَاهِ الْمُفْضَرِّينَ؛ «به هر حال اگر ای خدای من عفو کنی، شایسته است؛ چرا که پیش از من چه بسیار از گنه‌کاران را عفو کرده‌ای، چرا که لطف و کرمات ای خدا، برتر و بالاتر از آن است که بندگان مقصر را به کیفر رسانی». وَأَنَا عَائِدٌ بِفَضْلِكَ هَارِبٌ مِنْكَ إِلَيْكَ مُتَّخِزٌ (مُتَّخِزٌ) مَا وَعَدْتَ مِنَ الصَّغْعِ عَمَّنْ أَحْسَنَ بَكَ فَلَنَا؛ «و من به فضل و رحمت‌نپاه می‌آورم و از تو به‌سوی تو می‌گریزم که عفو و بخششت بر کسی که به تو حسن ظن دارد، وعده قلعی است».

عاشق‌های واقعی مثل امام سجادتند، نه مثل من که از سر تا پایم لاف زدن می‌بارد. عاشق‌های واقعی اگر حس کنند معشوق ذره‌ای ناراحت است و بوی بی‌مهری بشنوند، خودشان را به زمین و آسمان می‌زنند که بفهمند چرا؟ مروری می‌کنند نکند کم‌کاری کرده‌ام، نکند حق عشقمان را به جا نیاورده‌ام، نکند... سَيَدِي لَعَلَّكَ عَنْ تَابِكَ طَرَدْتَنِي وَعَنْ خِدْمَتِكَ تَخَيَّيْتَنِي أَوْ لَعَلَّكَ رَأَيْتَنِي مُسْتَحَقًّا بِحَقِّكَ فَاقْضَيْتَنِي؛ «ای سید من! شاید تو از درگاه لطف، مرا راندی و از خدمت بندگی‌ات، دورم ساختی یا شاید دیدی من حق بندگی‌ات را خفیف شمردم و بدین دلیل، مرا از درگاهت دور کردی». أَوْ لَعَلَّكَ رَأَيْتَنِي مُعْرِضًا عَنْكَ فَقَلَيْتَنِي أَوْ لَعَلَّكَ وَجَدْتَنِي فِي مَقَامِ الْكَذَّابِينَ (الكَذَّابِينَ) فَزَفَضْتَنِي؛ «یا آنکه دیدی من از تو روگردانم؛ بدین سبب بر من غضب فرمودی، یا اینکه در مقام دروغ‌گویانم یافتی، لذا از نظر عنایت